

باعث عدم رغبتشان به تجمع و تشکل شده باشد.

نکته دیگر غیرسیاسی بودن نشریات کودک و نوجوان است. به جز معدود نشریاتی که توسط دبیرستانی‌های نُخبه در سال‌های اوج فعالیت‌های سیاسی منتشر می‌شد و عملاً سنخیتی با نشریات کودک نداشت و به جز معدود ضائمی که توسط گروه‌های سیاسی برای بچه‌ها منتشر می‌شد و کمتر اقبال داشت، مطبوعات کودک و نوجوان در اکثریت قریب به اتفاق موارد غیرسیاسی بوده‌اند و هستند. البته در چندماه اخیر جریان مبنی بر سیاسی‌شدن برخی نشریات نوجوان آغاز شده که هنوز عمومیت نیافته است. نمونه‌اش هواداری روزنامه‌ای از یک کاندیدا که موجب تعطیلی‌اش شد. و هواداری یک هفته‌نامه از کاندیدای دیگری و پس از آن هم ادامه روند سیاسی بودن در دو روزنامه نوظهور.

اما در مجموع همه کارشناسان و ناظران اتفاق نظر دارند قاطبه نشریات کودک و نوجوان سیاسی نبوده‌اند و نیستند و قابل انکار نیست که اکثریت تشکل‌های مطبوعاتی حتی اگر در ظاهر صنفی و رفاهی باشند پیش زمینه‌ها و زیرساخت‌های سیاسی داشته‌اند. پس طبیعی است که این هم دلیلی دیگری باشد برای نمود نیافتن تشکل در مطبوعات کودک.

و دلیل دیگر: بسیاری از دست‌اندرکاران نشریات کودک و نوجوان حرفه‌ای نیستند. یعنی روزنامه‌نگاری و مشارکت در تولید نشریات کودک و نوجوان تنها شغل و یا شغل اصلی ایشان نیست. گرچه این نسبت مانند سابق مطلق نیست، هنوز هم شغل اصلی بسیاری از سردبیران و دبیران سرویس، قصه‌نویسی، شاعر کودکان، معلم، مترجم، کارمند آموزش و پرورش و یا رادیو و تلویزیون و یا ارشاد و حوزه هنری و... می‌باشد، در این صورت، پذیرفته خواهد بود که آنها به اندازه روزنامه‌نگاران تمام وقت و حرفه‌ای چنین نیازی را احساس نکنند و تشکل برای ایشان اولویت و موضوعیت نداشته باشد.

و آخرین دلیلی که برای ظهور نیافتن تشکل‌ها در مطبوعات کودک و نوجوان به ذهنم می‌رسد وجود نداشتن یک متولی و بانی وجیه است. این کار خواه‌ناخواه مستلزم هزینه و سازمانندی است. نشریات به دلیل رقابت نسبی که با هم دارند نمی‌توانند بپذیرند دست‌اندرکاران یک نشریه خاص بانی، متولی

مطبوعات کودک و نوجوان و تشکل‌پذیری

سیدعلی کاشفی خوانساری

اجتماعی شکل‌گیری مطبوعات کودک است. ظهور مطبوعات کودک و نوجوان در ایران حاصل یک زایش طبیعی اجتماعی در روند توسعه نبوده، بلکه به شکلی برونزا و تقلیدی پیش از تحقق یافتن زمینه‌های لازم صورت گرفت. برخلاف سیر تاریخی ارتباطات و مسیری که در سایر کشورها طی شد، در ایران قبل از اینکه کتاب کودک داشته باشیم صاحب مطبوعات کودک شدیم. به همین دلیل این نهاد نوری به جای آنکه کارکردهای خود را ایفا کند، جایگزین کتاب یعنی نهادی شد که فقدان آن ملموس و نیاز آن آشکار بود. به این ترتیب مطبوعات کودک و نوجوان عملاً به بُن‌جنگ‌های ادبی بدل شدند و از کارکردهای رسانه‌ای دور ماندند. ناگزیر هیچ‌گاه خود را به عنوان عضوی از خانواده مطبوعات ندیدند و همچون سایر مطبوعاتی‌ها به فکر ایجاد گروه و کانون نیافتادند و از انجمن‌هایی هم که دیگران برپا کرده بودند استقبال نکردند.

به همان دلیل تاریخی فوق‌الذکر و به دلیل فقدان نیروی متخصص روزنامه‌نگاری برای کودکان و نوجوانان (به عنوان یکی از گونه‌های روزنامه‌نگاری تخصصی) اکثریت قریب به اتفاق دست‌اندرکاران نشریات کودک و نوجوان را شاعران و قصه‌نویسان تشکیل دادند (و هنوز هم با کمی تغییر وضع همان است). بدیهی است غیرمطبوعاتی بودن این افراد از یک سو و انزوا و پرهیز ذاتی از جنجال و جمع و دردمر به دلیل روحیات هنرمندانه و ادیبانه،

در تارخ صدوشصت ساله مطبوعات ایران، بیش از آنکه فرهنگ مطبوعات و مطالعه آن نسهاده شده تشکل‌های مطبوعاتی داشته‌ایم. این تشکل‌ها که پیشینه آن به مشروطیت برمی‌گردد بیشتر تشکل‌هایی سیاسی - عقیدتی و کمتر صنفی - حرفه‌ای و رفاهی بوده‌اند.

مطبوعات کودک و نوجوان ایران سابقه‌ای هفتادساله دارند و در ادوار مختلف تاریخی از تعدد و فراوانی نسبی و قابل قبول برخوردار بوده‌اند. در بسیاری از مقاطع، پرخواننده‌ترین نشریات کشور بوده‌اند و تیراژهای بیش از یک میلیون را تجربه کرده‌اند و امروز نیز با سسی و چند عنوان نشریه، بزرگترین گروه نشریات تخصصی مطبوعات را شکل داده‌اند.

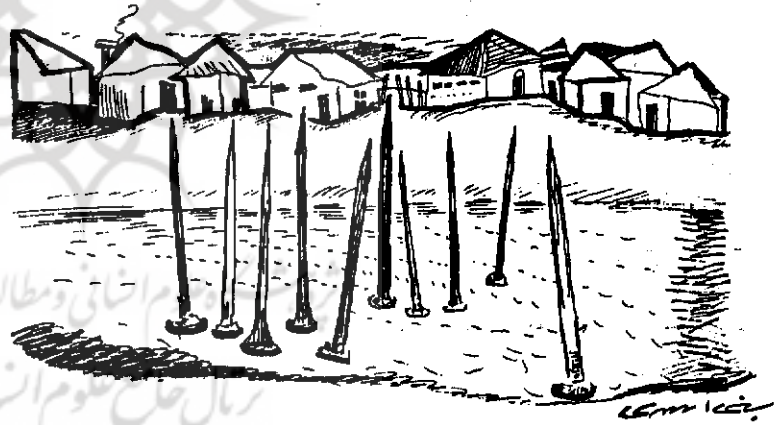
از سوی دیگر به دلیل خاص و متفاوت بودن بیست‌میلیون مخاطب بالقوه ایشان قاعدتاً باید زودتر از سایر نشریات تخصصی برپایی نشست، انجمن، تشکل، کانون، اتحادیه و... در این نشریات بروز می‌یافت. اما واقعیت این است که نه تنها این نشریات دارنده هیچ‌یک از حدود پنجاه گروه و کانون مطبوعاتی تاریخ روزنامه‌نگاری ایران نبوده‌اند، بلکه از تشکل‌های موجود نیز استقبالی نکرده‌اند.

دلایل عدم رویکرد نویسندگان مطبوعات کودک و نوجوان را به مقولاتی چون تشکل، صنفی‌گری و صنفی‌نگری را باید در بسترهای گوناگون جست‌وجو کرد. یکی از دلایل، شرایط



که شامل مدیران مسؤول نمی‌شود اطلاعی نداشتیم اما پس از بررسی‌های مختلف ترجیح داده شد جلسات اولیه با حضور خبرنگاران نشریات برگزار شود و نه با حضور سردبیران و مدیران مسؤول تا بلکه بتواند شکل خودجوش و برآمده از بدنه نشریات باشد نه یک جمع فرمایشی و مصنوعی به شیوهٔ دموکراسی عمودی و از بالا به پایین. در این جلسات که در فرهنگسرای اندیشه برپا می‌شد، لیلا رستگار و نسرین مهاجرانی (آفتابگردان)، حمید محمدی (سوره نوجوانان)، علی‌اصغر سیدآبادی (امید آینده)، متاف یحیی‌پور (آینده‌سازان)، مهران بهروزفغانی (رشد) و نگارنده این یادداشت (صدف و زمزم) حضور داشتند و بحث‌ها تا مراحل خوبی پیش رفت. شرایط عضویت، طراحی بانک اطلاعات، دوره‌های آموزشی، صندوق قرض‌الحسنه، طراحی جلسات سخنرانی و خیلی آرمان‌های دیگر که متأسفانه به مرور جلسات از رونق افتاد و فراموش شد. شاید علت اصلی این خاموشی، حس عدم تضمین اجرا شدن طرح‌ها بود. شاید همه بدون آنکه به زبان بی‌اوریم می‌دانستیم نباید خیلی به برآورده شدن این آرزوها خوشبین باشیم.

امروز اما اوضاع کمی تغییر کرده است. تمایل افکار عمومی به شکل‌گیری نهادهای اجتماعی و مساعد شدن نسبی فضا ضریب اطمینان را بالا برده است. مخصوصاً که انجمن صنفی روزنامه‌نگاران هم تأسیس شده و راه را هموار کرده است. گرچه تاکنون نشریات کودک حضور مناسبی در انجمن نیافته‌اند و انجمن فعلاً بیشتر شکل روزنامه‌ای‌هاست تا تمام مطبوعاتی‌ها، با این وجود اگر مدیران انجمن بخواهند می‌توان به شکل‌گیری انجمن مطبوعات کودک و نوجوان تحت پوشش انجمن صنفی مطبوعات خوشبین بود. چرا که امروزه شاهد رویکرد جدی مطبوعات کودک و نوجوان به سمت حرفه‌ای شدن و ایفای نقش رسانه‌ای و اجتماعی خود هستیم. با وجود تمام دلایل منفی که در بالا ذکر شد مطبوعات کودک و نوجوان این حسن بزرگ را دارند که واقعاً شبیه یک خانواده‌اند. بسیاری از نویسندگان این نشریات مشترک هستند و اکثر قریب به اتفاق آنها با هم آشنا و دارای روحیه پذیرش یکدیگرند. باید دید انجمن صنفی مطبوعات چقدر به حضور و فعالیت مطبوعات کودک و نوجوان تمایل دارد. □



■ نه تنها نشریات ویژهٔ کودک و نوجوان دارندهٔ هیچ‌یک از حدود پنجاه گروه و کانون مطبوعاتی تاریخ روزنامه‌نگاری ایران نبوده‌اند، بلکه از تشکلهای موجود نیز استقبالی نکرده‌اند.

با وجود تمام دلایلی که ذکر شد تلاش‌های پراکنده‌ای در این باب صورت گرفته است. برای نمونه در اواخر سال ۷۳ و بهار ۷۴ تعدادی از روزنامه‌نگاران نشریات کودک و نوجوان گردهم آمدند تا پس از جلساتی به عنوان هیأت مؤسس، انجمن روزنامه‌نگاران مطبوعات کودک و نوجوان را پایه‌گذاری کنند. گرچه شاید آن موقع از تعریف وزارت کار از روزنامه‌نگاران

و همه‌کاره این انجمن باشند. وزارت ارشاد هم در ادوار مختلف از بابت همسویی با تفکرهای سیاسی محل تردید بوده است. سازمان‌هایی چون کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، خانه روزنامه‌نگاران جوان و شورای کتاب کودک نیز وضعیت مشابهی دارند. خصوصاً که پدیدآورندگان نشریات کودک همیشه از داشتن انگه‌های سیاسی و بانندی پرهیز داشته‌اند.